

تاریخ مشروطه ایران

* مؤلف: احمد کسروی تبریزی

* ناشر: امیر کبیر

* سال ناشر: ۱۳۷۳

* نوبت چاپ: هفدهم

* محل نشر: تهران

کتاب در سال ۱۳۱۳ نوشته و در سال ۱۳۲۰ ش، به چاپ اول رسیده است. تعداد صفحات کتاب شامل مقدمه ناشر و نمایه، جمعاً ۹۶۷ صفحه در قطع وزیری است. گرچه صفحه بندی کتاب خوب است ولی با توجه به رسیدن آن به چاپ هفدهم، پاره‌ای از تصاویر کیفیت مطلوب خود را از دست داده است و به تصاویری تار و گنگ و مبهم تبدیل شده که برای چاپ‌های بعدی نیازمند گراور مجدد است. کتاب فاقد فهرست مطالب، کتابشناسی و فهرست منابع و مأخذ است.

۱. سبک نگارش و منابع

روش خاص نگارش کسروی و اصرار وی بر فارسی نویسی و پرهیز از واژگان عربی که پاره‌ای عظیم از پیکره زبان فارسی را تشکیل می‌دهد، در برخی موارد متن را نامأنوس و دشوار کرده است. مثلاً در نحوه بیان ماضی استمراری، روش وی متروک و نامأنوس است: خواستندی خواند به جای می‌خواستند بخوانند؛ اندیشیدندی به جای می‌اندیشیدند؛ بازداشتندی به جای بازداشتند. ولی با وجود این، کتاب برای قشرهای دانشگاهی قابل استفاده است.

مهم‌ترین سند مؤلف مشاهدات شخصی خود او بوده است و طبعاً در چنین اثری، مراجعه به کتب و رساله‌های مرتبط با مشروطه برای وی ضرورت نداشته است، گرچه تعداد این نوع نوشته‌ها به زبان فارسی در زمان نگارش کتاب بسیار اندک بوده است. البته وی در مواردی هم از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ناظم الاسلام کرمانی استفاده کرده است؛ اما طبعاً مهم‌ترین منبع او منابع دست اول آن روزگار مانند بیانیه‌ها و روزنامه‌ها و ... است که به خوبی از آنها بهره برده است. با وجود این، به نظر می‌رسد وی نسبت به برخی حوادث مانند جریان فراماسونری و یا پیشینه ملکم خان جاهل و بی‌اطلاع بوده و یا تجاهل کرده است.

۲. نگاهی به محتوا

روش اصلی مؤلف در تألیف این کتاب، روش تاریخ‌نگاری نقلی است ولی در عین حال، گاه به تحلیل حوادث نیز دست زده است.

تکیه مؤلف بر مشاهدات شخصی خود، به ویژه دربارهٔ حوادث تبریز، به پاره‌ای از مطالب کتاب ویژگی خاصی داده است که از لحاظ سندیت از اعتباری بالا برخوردار و به لحاظ محتوا دربردارندهٔ نکات جزئی و در عین حال، قابل توجه و مهم است. توجه وی به جزئیات در نشان دادن گوشه‌های پنهان عصر مشروطه بسیار حائز اهمیت است.

مطالب هر فصل یا عنوان از کتاب، جامعیت نسبی دارد مگر اینکه مؤلف خود تصریح کرده باشد که به دلیل مشخصی به فلان موضوع پرداخته است. با وجود پی‌گیری و مقایسهٔ ماجرای مشروطه در تهران و تبریز و تغییر فضای بحث از تهران به تبریز و برعکس، انسجام و تسلسل تاریخی مطالب لطمه‌ای ندیده است.

از موضع‌گیری خاص مؤلف نسبت به اسلام و تشیع که بگذریم، مؤلف کوشیده است که بدون جانبداری از شخص یا جریان خاصی، رعایت امانت را در نقل وقایع بنماید.

مؤلف نکات بسیار مهمی را دربارهٔ چگونگی رویارویی شریعت خواهان و تجددطلبان اروپاگرا در لابه‌لای مطالب کتاب آورده است که توجه به آنها می‌تواند افق‌های نوینی را فراروی کسانی که دربارهٔ تاریخ معاصر ایران و یا سنت و تجدد پژوهش می‌کنند بگشاید. همچنین محورهای زیر به عنوان افقی نو در کتاب جلب توجه می‌کند:

۱. مبهم بودن مفهوم مشروطه در ذهن هواداران آن، به ویژه، علمای دینی هوادار؛
۲. ناسازگاری مبانی مشروطیت (به مفهوم مورد نظر پاره‌ای روشنفکران) با مذهب تشیع؛

۳. تقلید کورکورانه و نابخردانهٔ گروهی از تحصیل کرده‌ها و فرنگ رفته‌ها از اروپا و نحوهٔ حضور زنان در جنبش مشروطه.

نکتهٔ قابل توجه دیگر دربارهٔ این کتاب این است که مؤلف کتاب خود را به بیان تاریخ سیاسی مشروطه محدود نکرده و اطلاعاتی سودمند و بالنسبه فراوان دربارهٔ زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ ایران در عصر مشروطیت و تأثیر مشروطیت بر این جنبه‌ها از زندگی اجتماعی به دست داده است.

نگاه کینه توزانه مؤلف نسبت به اسلام و تشیع از زاویه آنچه که وی آن را «پاکدینی» نامیده، سبب شده در متن کتاب مطالب زیادی درباره زینهای دین، زیانهای تشیع و جهل و بی‌خبری و کم‌خردی متولیان امور دینی بیاورد؛ حتی اگر گاه زبان به ستایش برخی علما و مجاهدان مانند: طباطبائی، بهبهانی و ثقه الاسلام گشوده است، مطلقاً اشاره به تأثیر باورهای دینی در موضع‌گیری‌های آنها و حتی شأن و منزلت روحانی آنها نمی‌کند. این نگاه منفی و بغض‌آلود که می‌توان آن را نگاه حاکم بر کل کتاب دانست و اظهارنظرهای مبتنی بر آن پیرامون مذهب تشیع و علمای آن - مانند مطالب صفحه ۱۳۱ و صفحه ۱۳۴ - شایسته نقدی جدی است. اقدام پسندیده ناشر در افزودن مقدمه‌ای انتقادی بر کتاب، شایسته تقدیر است؛ اما، اولاً، این نقد، نقد همه جانبه‌ای نیست و به خصوص حملات کسروی بر ضد شیعه و علمای شیعه را به صورت بایسته‌ای نقد نمی‌کند؛ ثانیاً، برخی مطالب آن چندان درست به نظر نمی‌رسد، مانند: متهم کردن نویسنده به نداشتن نگاه مورخانه. یا اصرار بر طرفداری کسروی از مشروطه اروپاپسند (این نکته لااقل از کتاب تاریخ مشروطه استنتاج نمی‌شود)؛ ثالثاً، تکیه اصلی مقدمه بر بررسی عوامل انحراف مشروطیت از مسیر اولیه آن است که در حقیقت مقاله‌ای مستقل به حساب می‌آید. ضروری می‌نماید در چاپ‌های بعدی کتاب مقدمه دیگری که به خوبی به نادرستی‌های کتاب پرداخته باشد به آن افزوده و یا جایگزین مقدمه کنونی شود.

این کتاب یک متن درسی نیست و با اصول، ضوابط و معیار متن درسی سازگار نیست و اصولاً مؤلف نیز آن را با این دیدگاه ننوشته است. ولی با توجه به جایگاه مهم آن در کتب مربوط به تاریخ مشروطیت، بدون تردید می‌تواند به عنوان یک متن کمک درسی مورد استفاده قرار گیرد.